

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: بابک آزاد

۱۸ نومبر ۲۰۱۳

پیرامون یک خبر: خروج ۶۰۰ میلیارد دالر از کشور!

انتشار خبری مبنی بر خروج ۶۰۰ میلیارد دالر از کشور در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد موجب بهت و حیرت فراوانی شد. باورش سخت بود و در آغاز، این احساس به خواننده دست می داد که ممکن است عدد اعلام شده درست چاپ نشده باشد. بعد می شد این طور تلقی کرد که ممکن است آن هائی که در دوران احمدی نژاد سبیل شان به اندازه کافی چرب نشده، حالا که همه بر سر آن موجود مفلوک می زنند و همه تقصیر ها را گردن وی و "عدم مدیریت"ش می اندازند با انتشار چنین خبری می خواهند از قافله عقب نمانند؛ یا شاید هم انتشار این خبر نوعی سیاه نمائی باشد برای کمک به رئیس جمهور جدید که ایهالناس بدانید که احمدی نژاد کاری کرده که روحانی (فردین) "کلید" به دست و قفل باز کن هم به راحتی نخواهد توانست کارها را رو به راه و اقتصاد کشور را نجات دهد و خلاصه باید صبر داشته باشید. اما منبع خبر که سایت "خانه ملت" بود نشان می داد که خود خبر نمی تواند نادرست باشد و با مراجعه به رسانه های دیگر فوراً روشن شد که اشتباهی در کار نیست. سایت "خانه ملت" خبر را از قول محمد رضا خباز عضو هیأت تطبیق مصوبات دولت با قانون اعلام کرده و نامبرده هم رسماً مطرح کرده بود که: "طی ۸ سال گذشته حدود ۶۰۰ میلیارد دالر سرمایه ایرانیان از کشور خارج شده است." نامبرده سپس با حسرت به همپالگی های خود توضیح می دهد که اگر "سرمایه گذارانی" که چنین سرمایه ای را خارج کرده اند حداقل ۱۰ درصد آن را به زادگاه خود برگردانند: "برابر با یک بودجه نفتی در کشور می شود!"

اعتراف محمد رضا خباز به صحت خبر خروج ۶۰۰ میلیارد دالر از کشور در ضمن حاوی نکات آموزنده و در عین حال دردناکی است. اگر در نظر بگیریم که در فاصله زمانی که ۶۰۰ میلیارد دالر ذکر شده از کشور خارج می شد، حدوداً همان مقدار ارز نیز از فروش نفت به دست آمده بود آن گاه روشن می شود که حجم سرمایه خارج شده تقریباً برابر با ارز حاصل از فروش نفت در این فاصله می باشد. این امر خود قولی که احمدی نژاد به مردم در مورد آوردن پول نفت بر سر سفره های آنان داده بود را به یاد می آورد و گویی پول نفت واقعاً به سر سفره های "مردم" برده شده!! فقط ریاکاری احمدی نژاد این بوده که چند صد نفر از نور چشمی ها را جای ۷۰ میلیون مردم ایران جا زده و به این ترتیب معنای مردم را هم در ادبیات سردمداران جمهوری اسلامی در جلوی چشم همگان قرار داده است.

از سوی دیگر این امر واضحی است که در شرایط ایران بدون ارتباط با مراکز قدرت چنین حجمی از سرمایه نه امکان جمع شدن داشت و نه امکان خروج از کشور و همین واقعیت هم به روشنی ابعاد عظیم چپاول مردم ما توسط قدرتمداران حاکم و نور چشمی های آن ها را نشان می دهد. برای کسانی که با دزدی های میلیاردی سردمداران

جمهوری اسلامی و یا به قولی با بخور و بخور های آنان و اطرافیان شان آشنائی دارند چنین اموری روال کار "طبیعی" دست اندرکاران جمهوری اسلامی تلقی شده و نیازی به اثبات ندارد. با این حال توجه به یک نمونه صحت این ادعا را بار دیگر ثابت می کند.

این مورد به پرونده بابک زنجانی جوان سی و چند ساله ای مربوط می شود که در طول چند سال از شغل رانندگی برای رئیس بانک مرکزی، یک باره به جایی رسیده که اکنون یکی از میلیارد های کشور! به حساب می آید. ایشان از قرار یکی از همان "سرمایه گذارانی" است که میلیارد ها دالر به جیب زده و به خارج فرستاده و امروز هم تنها یکی از اقلامی که از او می خواهند که پس بدهد دو میلیارد دالری می باشد که بابت فروش نفت باز نگردانده است! افزایش این مورد البته به این دلیل است که دار و دسته دولت جدید می کوشد با پس زدن او راه را برای رشد نورچشمی های دیگری که در راه هستند، باز کند. اما جدا از برخورد به موضوع از این زاویه آن چه مهمتر است نفس تمرکز چنین سرمایه عظیمی در دست تعداد معدودی از وابستگان به رژیم می باشد که آشکارا بیانگر هر چه فزونتر شدن شکاف طبقاتی در جامعه بوده و نشان می دهد که علت رشد فقر و فلاکت بی حد و حصر در جامعه ایران چیست و چرا مردم ما هر روز فقیر تر و بی چیز تر می شوند. به خصوص که هر کس می داند سرمایه دارانی که ۶۰۰ میلیارد دالر از کشور خارج می کنند حتماً حدود همین مقدار هم سرمایه در داخل دارند که خود این امر نیز فاصله دردناک طبقات فرو دست با فرا دست را با برجستگی هر چه بیشتری نمایان می سازد.

حال در ارتباط با خروج چنین حجم عظیمی از سرمایه از کشور به آه و ناله های ایدئولوگ های بورژوازی ایران توجه کنیم که مدعی اند که اگر قوانین کار از این هم که هست بیشتر به ضرر کارگران تغییر کند سرمایه های خارجی تمایل بیشتری به ورود به بازار ایران و سرمایه گذاری پیدا می کنند و همیشه از فقدان سرمایه گذاری خارجی فریادشان به آسمان می رسد. در حالی که همین نمونه مورد بحث نشان می دهد که درد اقتصاد ایران کمبود سرمایه نیست. این هم آشکار است که کسانی هم که سرمایه های خود را به خارج منتقل کرده اند در جریان فعالیت اقتصادی خود در داخل کشور به عینه نشان داده اند که در راه استثمار هرچه شدیدتر کارگران به هیچ قانونی پایبند نبوده و نیستند. لذا نه دلیل سرمایه گذاری های برون مرزی شان وجود قانون کار کذائی در ایران است و نه با تغییر یا حتا از بین بردن آن حاضران سرمایه های دزدیده شده را دوباره به کشور باز گردانند. واقعیت این است که قانون کار در ایران در کل به نفع سرمایه داران تنظیم شده و اگر بند هائی هم به نفع کارگران بر روی کاغذ وجود دارند، عملاً اجرا نمی شوند. این واقعیت نشان می دهد که علت این که سرمایه دارانی که بخشی از پول های خود را به خارج منتقل می کنند جدا از فقدان امنیت ترس از کارگران و لشکر گرسنگان در جامعه ماست، به عبارت دیگر آن ها جهت سرمایه گذاری در داخل کشور احساس امنیت نمی کنند و ترجیح می دهند که پول های باد آورده خود را در خارج از کشور به کار اندازند و خروج چنین حجم بزرگی از سرمایه خود مؤید چنین امری است. شاید بهتر بود که ایدئولوگ های بورژوا فقط این پند را به برادران سرمایه دار خود بدهند که چراغی که به خانه روا است به مسجد حرام است!!

اما درسی که خبر فوق به خواننده می دهد این امر است که چنین سرمایه داران و نور چشمی ها و آقا زاده ها و همه آن کسانی که در وابستگی به رژیم به سرمایه های کلانی دست یافته اند، و در یک کلام همه این دزدان و چپاول گران برای حفظ این خوان نعمت با چنگ و دندان از وضع موجود دفاع و حفاظت می کنند. برای این منظور آن ها نه فقط رژیم حامی خود یعنی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی را در ارتکاب به شنیع ترین جنایات در حق توده ها به وسایل گوناگون یاری داده و از آن حمایت می کنند بلکه در آینده هم هر جا احساس کنند که منافع شان در مقابل خیزش و مبارزات قاطع ستمدیدگان به خطر افتاده و رژیم حاکم هم قادر به سرکوب کامل آن توده ها نیست حتی خود مستقلاً با تشکیل دسته های سیاه به آدم دزدی و قتل نیروهای مبارز و به هر نوع وحشی گری دیگری روی می آورند. بر این

اساس کارگران و زحمتکشان و همه ستمديدگان جامعه ما نيز تنها با اعمال قهر انقلابي خود قادراند آن چه متعلق به خودشان است را از حلقوم اين ظالمين و جنايت کاران بيرون بکشند. آن هائي که دست به توهم پراکني نسبت به سرمايه داران و رژيم حامی شان زده و مردم را دعوت به مصالحه و اعمال روش های نرم و يا توسل به "نافرمانی مدنی" در مقابل اين دشمنان خون آشام می کنند تنها به استثمارگران و جانپان در حفظ وضع نکبت بار موجود که زندگی را برای ميليون ها نفر از مردم ما به جهنمی واقعي تبديل کرده اند، کمک می رسانند. انقلاب که جز به مفهوم اعمال قدرت عظيم توده ها با توسل به شديدترين برخوردها با دشمنان خود نيست تنها راه نجات ستمديدگان ايران برای رهائي از دست امپرياليست های خونخوار ذينفع در ايران، سرمايه داران داخلي و رژيم جمهوري اسلامي است.

اين همان اصلي است که همواره بايد بر آن پای بشاريم.

به نقل از : پيام فدائي ، ارگان چريکهای فدائي خلق ايران
شماره ۱۷۲ ، مهر ماه [ميزان] ۱۳۹۲